

نخستین قتل سیاسی دوران مشروطه

۲۴ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۱۳

۲۴ تیر ۱۲۸۹ هجری خورشیدی، آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی از روحانیون طراز اول و رهبران دوران مشروطه توسط مخالفانش ترور شد

سید عبدالله بهبهانی مجتهد و از رهبران روحانی نهضت مشروطیت ایران در سال ۱۲۵۶ ق در نجف متولد شد.

برخی تاریخ تولد او را سال‌های ۱۲۵۷، ۱۲۶۰ و ۱۲۶۲ ق نیز آورده‌اند. نیای بزرگش سید عبدالله بلادی بحرانی از مردم غریفه یکی از روستاهای بحرین بود.

پدرش سید اسماعیل به قولی در ۱۲۲۹ ق در بهبهان به دنیا آمد و پس از طی دروس مقدماتی در زادگاهش به نجف رفت و از محضر استادانی چون شیخ مرتضی انصاری، صاحب «جواهر» و شیخ حسن آل کاشف الغطاء بهره گرفت و در ۱۲۸۷ ق به درخواست ناصرالدین شاه به تهران آمد و به تدریس علوم دینی و امامت جماعت پرداخت و ظاهراً مقلدانی نیز داشت

وی در ۱۲۹۵ ق در تهران درگذشت و جنازه‌اش به نجف حمل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. ۱ سید عبدالله در نجف پس از گذراندن دوره مقدماتی، سطوح عالی را نزد عالمان نامداری چون شیخ مرتضی انصاری، حاج میرزا حسن شیرازی، حاج سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی فرا گرفت و به اجازه اجتهاد نایل آمد. در ۱۲۹۵ ق به تهران بازگشت و به جای پدر نشست و وارث مناصب دینی و جایگاه اجتماعی پدر شد.

* آیت‌الله بهبهانی به جنبش تنباکو نپیوست

نخستین بار که نام او در تاریخ تحولات سیاسی به میان آمد در ماجرای تحریم تنباکو در سال ۱۳۰۹ ق بود. بنا به نوشته برخی منابع بهبهانی در تحریم تنباکو با سایر علما همراهی نداشت و در مجلس دعوت سفارت عثمانی بی محابا در حضور روحانیون و دعوت شدگان سیگار کشید و حرمت تحریم را شکست و در پاسخ اعتراض چند نفر از روحانیون با صراحت گفت «من مجتهدم و به تکالیف شرعی خود آشنا می‌باشم» و صریحاً فتوا داد که قرارداد انحصار توتون و تنباکو مفید است و استعمال توتون و تنباکو هم منع شرعی ندارد.

همراهی نکردن سید عبدالله با مخالفان قرارداد تنباکو سبب شد که از اعتراف او در میان مردم کاسته شود. از این تاریخ بهبهانی مورد توجه بیشتر صدراعظم امین السلطان قرار گرفت و رابطه دوستانه آنها مستحکم گردید.

چنان که در طول صدارت اتابک، دعاوی دولتی عمدتاً به بهبهانی ارجاع می‌شد و این امر در حد خود به تثبیت وضع اجتماعی و منزلت سیاسی و حتی تقویت بنیه مالی وی کمک می‌کرد.

در رجب ۱۳۲۱ بر اثر فشارهای داخلی و خارجی اتابک مجبور به استعفا و خروج از ایران شد و عین‌الدوله جانشین وی شد

گرچه بهبهانی از صدارت او ناراضی بود، مخالفت علنی از خود نشان نمی‌داد. در مقابل، عین‌الدوله که بهبهانی را طرفدار امین‌السلطان می‌دانست، سعی کرد با ایجاد اختلاف میان بهبهانی و همتایان او، شیخ فضل‌الله نوری و سید ابوالقاسم امام جمعه، بهبهانی را منزوی کند.

* کسروی همبستگی بین آیت‌الله طباطبایی و بهبهانی را آغاز جنبش مشروطه دانست

در پی انتشار عکس مسیو نوز بلژیکی وزیر کل گمرکات ایران، در یک مجلس با لباس روحانیون در محرم ۱۳۲۳، بهبهانی بر منبر رفت و عکس نوز را به مردم نشان داد و خواستار اخراج و تنبیه او شد. از این پس بهبهانی مبارزه تمام عیار را با حکومت استبدادی تدارک دید و با ارسال پیام‌هایی برای چهار مجتهد تهران از آنها یاری خواست که از میان ایشان، فقط سید محمد طباطبایی دعوت او را پذیرفت و چندی بعد در ۲۵ رمضان ۱۳۲۳ در منزل طباطبایی پیمان همبستگی و همراهی این دو مجتهد با یکدیگر استوار شد. اهمیت این پیمان به حدی بود که کسروی آن را آغاز جنبش مشروطه خوانده است. در این ایام مظفرالدین شاه در اروپا به سر می‌برد.

با بازگشت شاه به کشور حوادثی رخ داد که زمینه اعتراض مردم و روحانیت را نسبت به دولت گسترش داد و با کنار رفتن عین‌الدوله و انتخاب مشیرالدوله به صدراعظمی، شاه در ۱۴ جمادی الثانیة ۱۳۲۴ فرمان مشروطه را صادر کرد.

پس از انتخابات، در ۱۸ شعبان مجلس شورای ملی افتتاح گردید. با اینکه طبق متمم قانون اساسی علما نمایندگان در مجلس داشتند، اما بهبهانی و طباطبایی به عضویت مجلس در نیامدند، ولی در جلسات آن شرکت می‌کردند و بسیار فعال بودند.

چند روز پس از افتتاح مجلس، مظفرالدین شاه درگذشت و محمد علی میرزا به عنوان پادشاه مشروطه در مجلس سوگند یاد کرد.

از رویدادهای مهم مجلس اول تدوین قانون اساسی بود. شیخ فضل‌الله نوری اصرار داشت که قانون اساسی و دیگر امور مملکتی

باید کاملاً با شریعت اسلام منطبق باشد؛ اما کسانی از نمایندگان مجلس و یا بیرون از آن اساساً با آمیختن شریعت و قانون و مشروطیت مخالف بودند، در حالی که بهبهانی و طباطبایی مخالفتی با انطباق قوانین با شریعت نداشتند؛ حتی پیشنهاد تفویض اختیار به علما برای رد مصوبات مجلس در صورت عدم انطباق با شریعت را تأیید و تصویب کردند. به تدریج مخالفت‌های شیخ فضل الله نوری افزون شد و موجب جدایی کامل مشروطه خواهان از شیخ فضل الله گردید.

محمد علی شاه که سلطنت خود را در خطر می‌دید در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ به قزاقان تحت فرمان لیاخوف روسی دستور داد مجلس را به توپ بستند. بهبهانی به دستور شاه به عتبات تبعید شد. از آنجا که حاکم خانقین با ورود بهبهانی به خاک عثمانی مخالفت کرد، سید به کرمانشاه بازگشت و مدت هشت ماه در روستای بزهرود تحت نظر قرار گرفت، سپس با اجازه دولت به عتبات رفت.

پس از فتح تهران توسط مشروطه خواهان و سقوط محمد علی شاه، یک روز قبل از افتتاح مجلس دوم در ذی‌قعدة ۱۳۲۷، در میان استقبال بی‌نظیر مردم و با کمال احترام وارد تهران شد. سید عبدالله بهبهانی در مسیر بازگشت از تبعید عراق به تهران وقتی به راونج در نزدیکیهای قم رسید با فرزندش سید محمد بهبهانی ملاقات کرد، در آنجا به فرزند خویش گفته بود: «تو زنده ماندی و شیخ را در تهران به دار زدند و این ثلمه را به اسلام وارد ساختند؛ چرا نرفتی بند دار را بگیری و به گردن خود اندازی که این ننگ برای اسلام پیش نیاید و این لطمه و سکت به مشروطیت ایران وارد نشود».

در مجلس دوم که نمایندگان به دو گروه تندرو و میانه رو تقسیم شدند، بهبهانی به حمایت از میانه روان برخاست و در شرایطی که دامنه اختلافات دو گروه گسترش روز افزون یافته بود و بهبهانی نفوذ قابل توجهی پیدا کرده بود، تندروان کمر به قتل او بستند و در ۸ رجب ۱۳۲۸، در خانه خود به دست چهار نفر مسلح به قتل رسید و گفته شد افرادی نظیر سید حسن تقی زاده در این توطئه دست داشته‌اند. جنازه‌اش به سال ۱۳۳۲ ق به نجف حمل و در صحن علوی دفن گردید.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/30992/مشروطه-دوران-سیاسی-قتل-نخستین/30992>